

بقلم : آقای م . اورنگ

دنباله گفتار پیش

نگاهی بترجمه های اوستا

« داستان جمشید »

جا دارد پژوهندگان گرامی این گفتار را از روی ژرف نگری بخوانند و ببینند خاورشناسانی که اوستای ایرانی را ترجمه کرده اند دچار چه لغزشهای بزرگ شده اند و چگونه در گفته های این کتاب که نسل آریائی که سرتاسر آن بر پایه فلسفه و دانش است ، واژگونی پدید آورده و رنگ و روی دیگری بآن داده اند !

چنانکه خوانندگان ارجمند میدانند ، جمشید از پادشاهان بزرگ دودۀ پیشدادیان بوده ، جشن بزرگ نوروز از او بیادگار مانده است .

اگر بخواهیم این پادشاه باستانی را خوب بشناسیم باید بگفته های اوستا نگاه کنیم ، زیرا در بخشهای گوناگون اوستا بدرازا از این پادشاه سخن میراند و او را بابزرگی و فروشکوه زیاد مینمایاند و نشان میدهد که در دوران شهریاری خود ، کشور ایران را از راه آبادی ، نمودار بهشت برین ساخته و آسایش و آرامش و خوشی و خوشبختی مردم را فراهم آورده است .

اوستا میگوید: در زمان پادشاهی جمشید زیبا ، نه سرما بود نه گرما ، نه پیری بود نه رشک دیو آفریده ، تا زمانی که جم زیبا پادشاهی میکرد پدر و پسر هر دو با چهره های پانزده ساله زندگی میکردند .

در زمان پادشاهی او آب و روئیدنی و خوراکی ، خیلی زیاد بوده و هیچگونه کمبودی و سختی دیده نمیشده است .

سخن کوتاه اینک شاه جمشید در کتاب اوستا پایه بسیار بلند و ارجمند دارد

و بیش از همه پادشاهان دوخاندان پیشدادیان و کیان بنیکی از او یاد شده است ولی بیائید به ترجمه تیکه (۸) هات (۳۲) یسنا یعنی گاتاها و سرودهای زرتشت نگاه کنید ببینید این پادشاه بزرگ باستانی را چه جور بدنام و خوار و کوچک کرده اند! ببینید چگونه او را گناهکار شناخته و زرتشت را از او خشمگین نشان داده اند! آدم هنگامی که ترجمه این تیکه را میخواند برآستی افسوس میخورد و به سرانجام کار جمشید دلش میسوزد و از روش اندیشه و داوری زرتشت در شگفت میماند و در باره اش دودل میشود زیرا ترجمه این تیکه جمشید را بنام اینکه گوشت خوردن بمردم یاد داده گناهکار می شناساند و آشکار میرساند که زرتشت از دست او برای این کاریکه کرده است بدرگاه اهورامزدا دادخواهی نموده و خواسته است میان او و جمشید داوری نماید!

برآستی داستان شگفت آوری است! پس از آن همه ستودنها، اینجور بی مهری و وزیدن زرتشت در باره جمشید، برآستی جای شگفت است. زیرا نخست اینکه جمشید چند هزار سال پیش از زرتشت بوده. بنابراین اگر هم با گوشت خوردن یا گوشت خوردن را بمردم آموختن، کار بدی کرده، به زرتشت و آئین او چه همبستگی دارد! دوم اینکه گوشت خوردن در آئین زرتشت گناه نیست بلکه در برخی از بخشهای اوستا گوشت خوردن را برای نیر و مند شدن تن سودمند میدانند و اکنون هم زرتشتیان مانند نیاکان خود گوشت میخورند و در روزهای سورومهمانی گاو گوسفند میکشند و از گوشت آنها میخورند و بدیگران هم میخورانند.

پس اگر گوشت خوردن در آئین زرتشت گناه باشد، همه زرتشتیان بلکه همه ایرانیان که پیش از مسلمان شدن زردشتی بوده اند گناهکار شمرده میشوند و برای زرتشت پیروانی بجان میمانند! اما باید دانست که اینجور نیست یعنی نه گوشت خوردن در آئین زرتشت گناه است و نه جمشید شاه با این کار گناهکار میباشد بلکه لغزش

ترجمه کنندگان اوستا ، این افسانه را پدید آورده و مایه سرگردانی و دودلی پژوهندگان شده است .

من هنگامی که به ترجمه این تیکه از یسنا میرسیدم ، دچار شگفت میشدم و نمی توانستم آنرا باور کنم . گاهی میدیدم برخی از دوستان هم باین دشواری دچار هستند و برای پی بردن بچگونگی آن در پژوهش میباشند ولی چون هیچ کدام مان اوستا نمیدانستیم ، نمی توانستیم از کنجکاوای خود نتیجه بگیریم و گره این راز را باز کنیم . چون در ترجمه های اوستا از اینگونه دشواریها خیلی زیاد میدیدم ، بر آن شدم اوستا را یاد بگیرم و خودم در آن بررسی کنم . سپاس خدا را در این راه تا اندازه ای کامیاب شدم و بخشهایی چند از کتاب اوستا را بنام «بررسی یسنا» ترجمه کردم و گزارشهایی بر آن نوشتم . در این روزها ناگاه برخی از دوستان که در داستان جمشید از سالهای پیش دچار سرگردانی بودند از من خواستند در باره گفته های این تیکه از گاناها بررسی کنم . من هم که از سالهای پیش دریغ و خم ترجمه های این تیکه بودم این پیشنهاد را پذیرفتم و از روی ژرف بینی به بررسی پرداختم . بررسی من این بود که یکایک واژه های این تیکه را در فرهنگ اوستا و برخی از نوشته های اوستا شناسان زرتشتیان هند پیدا کردم و معنی هر یک از آنها را دانستم و باهم جور کردم .

دیدم سخن از پایه بلند جمشید در آباد کردن روی زمین و آسایش بخشیدن ب مردم است .

چکیده سخنان این تیکه از یسنا این است که زرتشت با اهورامزدا میگوید ای اهورامزدا ، جمشید پسر ویونگهان از میان مردم که بیشترشان گناهکار و کینه جو بودند فرمان ترا پذیرفت و بپایه پادشاهی رسید و در دوره فرمانروائی خود روی زمین را بروی آسایش مردم خوش و خرم و درخشان و تابان ساخت . همانگونه که او

در کار پادشاهی و فرمانروائی ، برابر دستور تو رفتار کرد و فرمان ترا با گوش جان فرا پذیرفت اینک من هم در کار و پنداری و آئین گذاری در فرمان تو هستم و برابر دستور تو رفتار میکنم .

پس از آنکه از بررسی خود این نتیجه را گرفتم باین اندیشه افتادم خوبست ترجمه گاتاها نوشته اوستا شناس نامی زرتشتیان هند ، تارا پوروالدرا هم نگاه کنم ، ببینیم او چه میگوید : خوشبختانه دیدم رأی ایشان هم با رأی من سازگار است و رویهم رفته همان نتیجه را میرساند که من آن را بدست آورده ام .

در اینجا می بینیم زرتشت خود را در برابر همیشه میگذارد و میگوید همانچوریکه جمشید در کار پادشاهی و کشور داری ، فرمان اهورامزدا را پذیرفت و روی زمین را برای آسایش مردم آباد ساخت . منم از راه آئین گذاری و راهنمایی مردم در فرمان اهورامزدا هستم و دستورهای او را در این باره بکار می بندم .

اکنون خوبست بدانیم این داستان از کجا سرچشمه گرفته و برای چه زرتشت خود را در برابر جمشید گذاشته و خود را با او سنجیده است . بلی این گفته ها داستان شیرینی دارد که آنهم شنیدنی است . اینک آن داستان :

درغر گردوم و ندیداد میگوید زرتشت از اهورامزدا . پرسید ای اهورامزدا . پیش از من نخستین بار باچه کسی سخن گفتمی و این دین اهورائی زرتشت را بکه سپردی ؟ اهورا مزدا پاسخ دادای زرتشت پاک . نخستین بار باجم زیبا و با شکوه سخن گفتم و این دین اهورائی را باو سپردم و گفتم من آئین خویش بتو برگذار میکنم جمشید گفت من در این کار آزموده نیستم ، آئین پروری و دین گستری از من ناید . آنگاه باو گفتم اگر آماده چنین کار نیستی ، آن به که جهان مرا پیروانی و بگیتی فزایش و گشایش دهی . پس جم زیبا بمن گفت پذیرفتم که جهان ترا پیروانم و بگیتی بیفزایم .

در زمان پادشاهی من نباید که باد سرد و گرم و ناخوشی و مرگ باشد ... پس از پی بردن باین داستان شیرین و دلکش میتوانیم دریابیم گفته های تیکه (۸) هات (۳۲) چه اندازه پیشینه تاریخی دارد و چه اندازه بر پایه فلسفه و دانش میباشد و چگونه ترجمه کنندگان اوستا آنرا دگرگون ساخته آسمان ریسمان کرده اند!

ترجمه این تیکه را من در آغاز بخش سوم «بررسی یسنا» که تازه از چاپ در آمده نوشته ام و درباره آن بدانسان که باید گفت و گو کرده ام. در اینجا همین اندازه را که نوشتم بسنده میدانم و سخن را کوتاه میکنم.

چون جمشید را خوب شناختیم و پبایه بلند و ارجمندش پی بردیم ، جادارد با پیروی از تیکه (۱۳۰) فروردین یشت به روان پاکش درود بفرستیم و بگوئیم :
 فروهر پاک جمشید را می ستائیم .

همه کس را دندان بترشی کند شود مگر قاضی را بشیرینی .

بیت

قاضی که برشوب بخورد پنج خیار

ثابت کند از بهر تو صد خربزه را

(سعدی)